

تحلیل روایت ذی نفعان از فروپاشی سرمایه اجتماعی در میان تعاونی‌های تولید روستایی (مورد مطالعه: تعاونی‌های تولید روستایی استان کردستان)

حسین دانش‌مهر^{۱*} و عثمان هدایت^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۰۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۷

چکیده:

هدف پژوهش حاضر، روایت ذی‌نفعان از فروپاشی سرمایه اجتماعی در میان تعاونی‌های تولید روستایی استان کردستان می‌باشد. بر همین اساس با استفاده از نظرات کلمن، پاتنام، بورديو بعنوان متفکران برجسته حوزه سرمایه اجتماعی و ناهایت و گوشال اندیشمندان حوزه نهادی و سازمانی این مفهوم، درصد تبیین چهارچوب مفهومی سرمایه اجتماعی جهت پاسخ به سوالات و اهداف تحقیق برآمدیم. این نظریه‌پردازان، بر ارتباطات و پیوندهای اجتماعی در جامعه و سازمان‌ها تأکید نموده و به سرمایه اجتماعی خصلتی جمعی و فرا فردی می‌دهند. با توجه به گزاره بنیادین تحقیق، پژوهش در سنت کیفی انجام شده و برای تولید داده از روش‌های مشاهده مشارکتی، مصاحبه عمیق و بحث‌گروهی استفاده شده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل روایت مضمونی، سود جست‌ایم. نمونه‌گیری از نوع نمونه‌گیری هدفمند، نظری و نمونه‌گیری با حداکثر تنوع بوده است. بر این اساس و بنا بر قاعده اشباع نظری، ۹ بحث گروهی و ۴۳ مصاحبه عمیق ساخت‌یافته با مدیران عامل تعاونی‌ها، اعضای هیئت مدیره و اعضای تعاونی‌های تولید نه گانه مورد مطالعه، صورت گرفت. در مجموع داده‌های تولید شده در قالب ۶۵ مفهوم اولیه، ۴ مقوله عمده و یک هسته مرکزی کدگذاری و تحلیل شده‌اند. مقوله‌های عمده استخراج شده از روایت‌ها عبارتند از؛ افول اعتماد به تعاونی، مشارکت نامطلوب، بی‌تفاوتی اجتماعی و عدم اثربخشی سازمانی و کاهش همبستگی اجتماعی. یافته‌های برآمده از تحلیل روایت ذی‌نفعان تعاونی‌های تولید روستایی نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در میان این تشکل‌های مردم‌نهاد، نه تنها دچار فرسایش شده، بلکه در دوره اخیر بدلیل عدم حمایت‌های دولت، دخالت‌های سازمان تعاون روستایی در فرآیند و انتخاب ارکان تعاونی بویژه مدیرعامل، قوانین و چارچوب‌های انعطاف‌ناپذیر، کلیشه‌ای شدن واژه تعاونی، تجربه‌های ناموفق مشابه، بهم‌ریختن نظم اجتماعی روستایی، ظهور مدیریت‌های جدید در اداره امور عمومی روستا، نهادهای موازی و مدعی امور تعاونی و عدم شفافیت در مسائل مالی و مدیریتی این تعاونی‌ها، سرمایه اجتماعی در میان ذی‌نفعان و ارکان تعاونی دچار افول و فروپاشی شده است. این امر ماهیت وجودی تعاونی‌های تولید در مناطق روستایی مورد مطالعه را دگرگون ساخته و امر مشارکت‌سنجی و بی‌اعتمادی در میان روستاییان را تقویت نموده است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل روایت مضمونی، تعاونی تولید روستایی، فروپاشی سرمایه اجتماعی، استان کردستان.

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان (نویسنده مسئول مقاله). hdaneshmehr@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه کردستان. Osmaanheyat68@gmail.com

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی تحت عنوان "آسیب‌شناسی تعاونی‌های تولید روستایی و ارائه راهکارهای عملی ارتقای نقش آنها در توسعه جوامع محلی (مطالعه موردی تعاونی‌های تولید روستایی استان کردستان)" می‌باشد که با حمایت مالی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کردستان در پژوهشکده کردستان شناسی انجام گرفته است

Journal of Community Development

(Rural and Urban Communities)

Volume 10, Issue 2 - Serial Number 19, Autumn and Winter 2018

An Analysis of the Narrative of the Interest Groups about the Collapse of Social Capital among the Rural Production Cooperatives (Case of Study: Rural Production Cooperatives in of Kurdistan Province)

Hossein Daneshmehr^{1*} & Osman Hedayat²

Received: January 26, 2019

Accepted: March 18, 2019

Abstract

The purpose of the present study is to analyse the narration of interest groups about social capital collapse among entrepreneurship of rural production in Kurdistan province. Based on this, using the theories of Coleman, Putnam Bourdieu as prominent thinkers in the field of social capital and inferiority, and Nahapiet and Ghoshal as prominent thinkers of institutional and organizational context of this concept, we have tried to explain the conceptual framework of social capital to answer the questions and research goals. These theorists emphasize the relationships and connections in society and organizations and give social capital a collective and transpersonal character. According to the fundamental proposition of research, research is conducted in qualitative tradition, and for data production, participatory observation, deep interview and group discussion have been used. In the analysis of data, we used the method of narrative analysis. Sampling was purposeful sampling, theoretical and sampling with maximum diversity. Accordingly, based on theoretical content saturation, 9 group discussions and 43 deep structured interviews were conducted with co-operative directors, board members and members of the nine production cooperatives. In total, data generated in the form of the first 65 primary concepts, four major categories and a central core are coded and analysed. Major categories derived from narratives include: decline in trust in cooperatives, undesirable participation, social indifference and organizational inefficiency, and reduction of social solidarity. The findings of the narrative analysis of the interest groups of rural production cooperatives show that social capital among these organizations in recent years has not only eroded but collapsed, due to lack of government support, the involvement of the rural cooperative organization in the process and the selection of cooperative bodies, especially the manager, the laws and rigid frameworks, similar unsuccessful experiences, the establishment of rural social order, the emergence of new administrations in the administration of rural public affairs, parallel institutions and co-operatives, and lack of transparency in the financial and management issues of these cooperatives and erosion of social capital among interest groups. This has altered the existential nature of production cooperatives in the rural areas studied, and has strengthened distrust and lack of participation among the villagers.

Keywords: Rural Production Cooperative, Social Capital Collapse, Narrative Analysis, Social Trust, Kurdistan Province.

1. Assistant Professor of Sociology, University of Kurdistan. Email: hdaneshmehr@yahoo.com

2. Master of Sociology, Kurdistan University. Email: Osmaanhedayat68@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

یکی از نقش‌های سازمان‌های جامعه‌ی مدنی از جمله سازمان‌های غیر دولتی و مردم‌نهاد، توسعه‌ی ظرفیت‌های اجتماعات محلی در قالب توانمندسازی و جلب مشارکت برای پیوند با نهادهای رسمی جامعه است. این وضعیت می‌تواند منجر به تمرکززدایی^۱ از قدرت گردد که تصمیم‌سازی و عرضه خدمات از نمودهای بارز این مهم تلقی می‌شود. تمرکززدایی از قدرت دولت، توان اجتماعات محلی، رشد ظرفیت‌های محلی، ثبات سازمان‌های غیر دولتی اجتماع-محور^۲، توانایی بالقوه‌ی ساکنان محلی برای کنترل سرنوشت خود و جنبه‌های مختلف زندگی‌شان و نیز بهبود وضعیت اجتماعات‌شان در ابعاد مختلف را افزایش می‌دهد (مک‌ابی^۳، ۲۰۰۸) با وجود این، می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی^۴ و حقوق شهروندی عناصری مهم در یک جامعه‌ی مدنی هستند تا جایی که سرمایه اجتماعی را ماده‌ی خام جامعه‌ی مدنی دانسته‌اند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸). این امر در ماهیت تعاونی به‌عنوان نهادی غیردولتی و مردم‌نهاد بیشتر جلوه‌گر است [یا می‌تواند باشد]. ماهیت تعاونی، حکم بر اشتراک، همکاری و مشارکت دارد که مناسبات را از پایین به بالا شکل می‌دهد و توزیع قدرت، ثروت و دسترسی به امکانات و فرصت‌ها را برای اعضای تشکیل‌دهنده‌اش فراهم می‌سازد. این امر برای کشورهایی که دارای فرهنگ و سابقه‌ی تعاونی بوده و در جهت توسعه مدیریت مشارکتی و پایدار فعالیت می‌کنند مضاعف است. بنابراین، با وجود این امر است که تعاونی‌ها [به دو دلیل] برای اجرای برنامه‌های توسعه در کشورهای جهان سوم مناسب‌اند. نخست آنکه؛ با گردآوری پس‌اندازهای اندک مردم، حمایت‌های مالی دولت، سرمایه‌گذاری، تولید، اشتغال و رشد اقتصادی جامعه را فراهم می‌سازند، و دوم آنکه؛ رویکردهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خاص تعاونی‌ها، که الهام گرفته از اصول و ارزش‌های تعاون است، سبب توسعه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و نیز رفع تبعیض و بی‌عدالتی‌ها در جوامع می‌شود (پویش، ۱۳۸۴).

بنابراین شناسایی و تقویت سرمایه اجتماعی در قالب ظرفیت‌های متنوع سازمان‌های مردم‌نهاد و عضویت‌های داوطلبانه سبب افزایش سطح همکاری اعضای در گروه‌های اجتماعی و جامعه می‌شود و از این طریق به افزایش سطح ارتباطات، نظارت و کنترل در سطح نهادهای عمومی اجتماعی منجر می‌شود، در نتیجه از آن می‌توان برای پیشگیری از مسائلی نظیر آسیب‌های اجتماعی یا سایر معضلات استفاده کرد. وجود میزان قابل قبولی از سرمایه اجتماعی

1. Decentralization
2. Community – Based NGOs
3. Mac Abbey
4. Social Capital

موجب تسهیل کنش‌های اجتماعی می‌شود، به‌طوری‌که در مواقع بحرانی می‌توان از سرمایه اجتماعی به‌عنوان اصلی‌ترین منبع حل مشکلات و اصلاح فرایندهای موجود سود بُرد (بارنز، موتو و همکاران^۱، ۲۰۱۴: ۲). این امر در مورد روستاها، دارای اهمیت دوچندانی است. نقش و جایگاه روستاها در فرایندهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس محلی، منطقه‌ای، ملی، بین‌المللی و پیامدهای توسعه‌نیافتگی مناطق روستایی چون فقر گسترده، نابرابری فزاینده، رشد سریع جمعیت، بیکاری، مهاجرت، حاشیه‌نشینی شهری و غیره موجب توجه به توسعه روستایی و حتی تقدم آن بر توسعه شهری گردیده است (ازکیا، ۱۳۸۴: ۳۳). سرمایه اجتماعی یک روستا بیان‌کننده بخشی از پتانسیل‌های انسانی آن روستا است و برای هرگونه برنامه‌ریزی به‌منظور توسعه لازم است که سرمایه اجتماعی آن نیز مورد بررسی قرار گیرد. هم‌چنین در زمینه‌ی سرمایه اجتماعی بر توسعه و پیشرفت روستاها جای هیچ‌شکی نیست اجتماع روستایی هم‌چون هر اجتماع دیگر در قالب اعتماد و مشارکت بهتر و بیشتر پیشرفت می‌کند (حیدری ساربان، ۱۳۹۰).

با این اوصاف، سابقه‌ی نزدیک به پنجاه سال^۲ تعاونی‌های کشاورزی در ایران نشان می‌دهد که این نوع نظام بهره‌برداری در این مدت با فراز و نشیب‌های متعددی روبرو بوده است. به گونه‌ای که با وجود کمک‌ها و حمایت‌های دولتی، بخش تعاون کشور آن‌گونه که شایسته بوده نتوانسته است نقش اساسی در توسعه‌ی کشور ایفا نماید و عمدتاً سهم آن در برنامه‌های کشور از سه درصد تجاوز نکرده است (کلباسی اصفهانی، ۱۳۷۶). براساس اطلاعات آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در استان کردستان حدود ۳۰ درصد از جمعیت این استان در قالب ۱۳۴۰۶۶ خانوار در ۱۷۰۲ روستا پراکنده شده است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۵). که بخش عمده‌ی این جمعیت در کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به آن مشغول‌اند. این در حالی است که از این آمار، ۱۶۹ روستا و ۹۳۴۹ نفر، تحت پوشش تعاونی‌های تولید روستایی هستند (سازمان تعاونی روستایی استان کردستان، ۱۳۹۷). مفروضه‌ی بنیادین پژوهش، اینست که تعاونی‌های تولید روستایی در سطح استان کردستان در بخش تولید روستایی نقش اساسی را ایفا نکرده یا بهتر است بگوییم عملکرد این نهاد، بازتابنده نقش و جایگاه آن در قانون اساسی و اساسنامه این تعاونی‌ها نیست. آنچه می‌تواند مبنای تحلیل از منظر جامعه‌شناختی در موفقیت یا شکست این تعاونی‌ها قرار گیرد مفهوم سرمایه

1. Barnes-Mauthe & et al

۲. منظور تعاونی‌های تولید روستایی می‌باشد که در سال ۱۳۴۹ با تصویب قانون تعاونی‌کردن تولید، تشکیل شدند.

اجتماعی است که در دوره‌های تاریخی و به تبع از سیاستگذاری در حوزه برنامه‌های توسعه در سطح محلی، دچار تکانه‌های فروکاستی شده است. لذا هدف این پژوهش، روایت ارکان و ذی‌نفعان تعاونی‌های تولید روستایی از وضعیت سرمایه اجتماعی در میان تشکلهای ایجاد شده، است که می‌تواند در شکست، موفقیت و پیش‌بینی مسیر آینده آنها موثر واقع شود.

چارچوب مفهومی پژوهش

آراء و نظرات بسیاری حول مفهوم سرمایه اجتماعی وجود دارد که به نسبت رویکردها و دیدگاه‌ها تفاوت دارند. این مفهوم از یک طرف به نظریه مبادله‌ی اجتماعی، تحلیل شبکه و نظریه انتخاب عقلانی، و از سوی دیگر به اجتماع‌گرایی^۱ نزدیک است (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۲: ۱۶۴). این مفهوم، در سال‌های اخیر وارد حوزه‌ی علوم اجتماعی و اقتصادی شد و در چینه‌ای به روی تحلیل و علت‌یابی مسائل اجتماعی و اقتصادی گشود (هوویلا^۲ و همکاران، ۲۰۱۰: ۳۰۵). رویکرد ما در این پژوهش، برگرفته از رویکرد اجتماع‌گرایان و نهادگرایان به سرمایه اجتماعی می‌باشد. اجتماع‌گرایان به ارتباطات و پیوندهای اجتماعی در جامعه تأکید نموده و به سرمایه اجتماعی خصلتی جمعی و فرا فردی می‌دهند که این خصلت را باید در زندگی اجتماعی و ارتباطات افراد باهم جستجو کرد. بوردیو^۳ (۱۹۸۶) تلاش کرد تا اولین مطالعه‌ی نظام‌مند سرمایه اجتماعی را انجام دهد. همچنین از نظریات ناهاپیت و گوشال^۴ در حوزه‌ی تأثیرات سرمایه اجتماعی در نهادها و سازمان‌ها استفاده نموده ایم.

پی‌یر بوردیو از نظریه‌پردازان مطرح در این حوزه است که توجه ویژه‌ای به سرمایه اجتماعی داشته و آن را در دستگاه نظری خود راجب به فضای اجتماعی قرار داده است. سرمایه^۵ از نظر او قابلیت است که فرد در تعامل با دیگران از آن بهره‌مند می‌شود. سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از تماس‌ها، رابطه‌ها، آشنایی‌ها، دوستی‌ها، دین‌ها (مطالبات یا دیون نمادین) هستند که به عامل «وزن» اجتماعی کم یا بیش سنگین، قدرت کنشی و واکنشی کم یا بیش زیاد برحسب کیفیت و کمیت شبکه‌های ارتباطی، پیوندهایی که وی را به افراد دیگر وصل می‌کند، می‌بخشد. به عبارت دیگر، با تعلق به یک گروه، به‌عنوان مجموعه‌ی عاملانی که

1. Communitarianism

2. Huvila & et al

3. Bourdieu

4. Ghoshal & Nahapiet

۵. بوردیو چهار نوع سرمایه را مطرح می‌کند: اقتصادی (پول و دارایی)؛ فرهنگی (مانند معلومات علمی؛ سلیقه، زیبایی و ترجیحات فرهنگی؛ زبان و ...)؛ اجتماعی (مانند خویشاوندان؛ خانواده، میراث فرهنگی و مذهبی) و نمادین (چیزهایی که نماینده‌ی همه‌ی اشکال سرمایه به‌صورت قابل «تبادل» در میدان‌های دیگر هستند، مانند مدارک تحصیلی و هنری) (گرنفل: ۱۳۹۳: ۸۰).

نه فقط صاحب حیطه‌های مشترک هستند، بلکه با پیوندهای پایدار و سودمند به یکدیگر وابسته‌اند. این حیطه‌های مشترک با عینک مشاهده‌گر بیرونی، دیگران یا خود این عاملان رؤیت پذیرند. سرمایه اجتماعی عاملی است که با سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی متعلق به خود او و دیگری ارتباط نزدیک دارد، چیزی است که همه‌جا به چشم می‌آید و قدرت این سرمایه‌ها به خاطر اثر انباشت نمادین به صورت تصاعدی تکثیر پذیر است (گویی ثروت‌های مادی و نمادین عاملان همدست یکجا جمع می‌شوند) (شویره و فونتن، ۱۳۸۵: ۱۰۳). اما با این حال، سرمایه اجتماعی دلالت بر بسیج منابع توسط کنش‌گران اجتماعی دارد. ارتباطها عضویت‌های گروهی و شبکه‌های اجتماعی، قدرت به بار می‌آورند و فرصت‌های زندگی را شکل می‌دهند (همان، ۳۱).

کلمن، هم از نظریه‌پردازانی است که در کارهای خود به سرمایه اجتماعی پرداخته است. او می‌گوید که بدون سرمایه اجتماعی، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه‌ای نمی‌رسد، به طوری که بسیاری از گروه‌ها، سازمان‌ها و جوامع انسانی، بدون سرمایه اقتصادی و صرفاً با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی توانسته‌اند به موفقیت دست یابند، اما هیچ مجموعه‌ی انسانی، بدون سرمایه اجتماعی نمی‌تواند اقدامی مفید و هدفمندی انجام دهد (کلمن، ۱۳۷۷: ۱۰۵). بنابراین، سرمایه اجتماعی، یا بُعد معنوی یک اجتماع، میراثی تاریخی است که از طریق تشویق افراد به همکاری و مشارکت در تعاملات اجتماعی، قادر است میزان بیشتری از معضلات آن اجتماع را حل و فصل کرده و حرکت به سوی رشد و توسعه شتابان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و جزء آن را امکان‌پذیر کند (همان: ۱۰۲). کلمن در بررسی ویژگی‌های روابط اجتماعی که می‌تواند منابع سرمایه‌ای سودمندی برای افراد تشکیل‌دهنده به شش مورد اشاره دارد: تعهدات و انتظارات، ظرفیت بالقوه اطلاعات، هنجارها و ضمانت‌های اجرایی تأثیرگذار، روابط اقتدار، سازمان‌های اجتماعی انطباق‌پذیر و سازمان‌های تعهدی (ترنلی و بولینو^۱، ۲۰۰۰). بنابراین، او سرمایه اجتماعی را به عنوان یک مجموعه‌ی سرمایه‌ای برای فرد می‌دید اما آن را سازنده‌ی منابع ساختاری اجتماع می‌دانست (کلمن، ۱۹۹۰: ۳۳۳). پاتنام (۱۹۹۳)، با ارائه‌ی مقاله‌ای با عنوان *بازی بولینگ در تنهایی: افول سرمایه اجتماعی در آمریکا*^۲ مفهوم سرمایه اجتماعی را در سطح گسترده‌تر و کاربردتری مورد بحث قرار می‌دهد. او سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه‌ی اعضای یک اجتماع می‌شود، و در نهایت، منافع آنان را تأمین خواهد کرد. هم‌چنین سرمایه

1. Turnley & Bolino

2. Bowling alone: America's declining social capital

اجتماعی را وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی، در نظام‌های مختلف سیاسی می‌داند و تأکید اصلی او بر مفهوم اعتماد است (بنگرید به پاتنام، ۱۹۹۳b: ۴۳). هرچه اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و خود همکاری نیز اعتماد ایجاد می‌کند. با وجود این، پاتنام بین دو شکل از سرمایه اجتماعی تمایز می‌گذارد: پیوند دهنده^۱ (شمول‌آور) و محدودکننده^۲ (انحصاری). سرمایه اجتماعی الزام‌آور تمایل دارد که هویت‌های انحصاری و همگنی را حفظ کند؛ سرمایه اجتماعی پیونددهنده‌ی افراد را از بخش‌های مختلف اجتماعی کنار هم جمع کند (پاتنام، ۲۰۰۰: ۲۲). از دیدگاه ناهاپیت و گوشال، (در حوزه‌ی مطالعات سازمانی) سرمایه‌ی اجتماعی جمع منابع بالفعل و بالقوه‌ی موجود در شبکه‌ی روابط یک فرد یا یک واحد اجتماعی است که از طریق آن شبکه در دسترس است و از آن ناشی می‌شود. آن‌ها معتقدند سرمایه‌ی اجتماعی یکی از قابلیت‌ها و دارایی‌های مهم سازمان است که به سازمان‌ها در خلق و تسهیم دانش کمک بسیاری می‌کند و برای آنها در مقایسه با سازمان‌های دیگر، مزیت سازمانی پایدار ایجاد می‌کند (بردبار و زارعی، ۱۳۹۲: ۲۲۹). آن‌ها با رویکرد سازمانی جنبه‌های مختلف سرمایه‌ی اجتماعی را به سه طبقه تقسیم می‌کنند: سرمایه ساختاری، سرمایه شناختی و رابطه‌ای (ناهاپیت و گوشال، ۱۹۹۸: ۲۴۹). عنصر ساختاری^۳ به الگوی کلی تماس‌های بین افراد اشاره دارد؛ یعنی شما به چه کسانی و چگونه دسترسی دارید، عنصر شناختی^۴، به منابعی اشاره دارد که فراهم‌کننده‌ی مظاهر، تعبیرها و تفسیرها و سیستم‌های معانی مشترک میزان گروه‌هاست و عنصر رابطه‌ای که توصیف‌کننده‌ی نوعی روابط شخصی است که افراد با یکدیگر به سبب سابقه‌ی تعاملاتشان برقرار می‌کنند.

به‌عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت، سرمایه اجتماعی در چهارچوب متفاوت خود، پیامدهای اقتصادی و حکمرانی جامعه‌ی مدنی و تأثیرات انواع خاصی از روابط اجتماعی، و به‌طور خلاصه منافع را که از طریق همکاری و مشارکت به‌دست‌آمده است، در نظر می‌گیرد. لذا نتایج سرمایه اجتماعی موضوعیت دارد. یکی از گرایش‌های محوری در این مفهوم، ابزاری کردن روابط اجتماعی و سرمایه‌گذاری بر روی دوستان و خانواده برای دستیابی به هدف است. در تعریف سرمایه اجتماعی خواه از آن کلمن، پاتنام یا حتی بورديو باشد یا نباشد، تأکید زیادی بر آثار سرمایه اجتماعی شده است (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۲: ۱۷۳). سرمایه اجتماعی در توسعه‌ی همبستگی افراد سازمان، تعاملات و ارتباطات و گسترش تفاهم افراد در شبکه‌های

1. Bridging
2. Bonding
3. Structural element
4. Cognitive element

اجتماعی نقش دارد (شمسی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۱). بنابراین سرمایه اجتماعی و روایت آن از منظر ذی‌نفعان و ارکان تعاونی‌های تولید روستایی، می‌تواند محمل جهان‌زیست این تشکله‌ها در بقا و دوام یا افول و انحلال آن قرار گیرد.

پیشینه تجربی تحقیق

گرجی گرماسی و بابایی کارنامی در سال (۱۳۹۶)، تحقیقی را تحت عنوان «بررسی نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی چهاردانگه ساری» با روش پیمایشی انجام داده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد، انسجام و روابط اجتماعی) با مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی رابطه‌ی معنادار وجود دارد. هم‌چنین بر اساس نتایج این پژوهش از بین ابعاد سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی بیشترین تأثیر را بر مشارکت کشاورزان دارد. عمانی و همکاران در سال (۱۳۹۴) تحقیقی با عنوان «ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی در عملکرد مالی تعاونی‌های تولیدی زراعی استان خوزستان» انجام داده‌اند. در این تحقیق آن‌ها به نقش سرمایه اجتماعی در عملکرد مالی تعاونی‌ها با استفاده از پرسش‌نامه و با روش SPSS پرداخته و به این نتایج رسیده‌اند که بین سابقه عضویت، تعداد اعضا، درآمد، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و عملکرد مالی تعاونی در سطح ۹۹ درصد و بین آگاهی اجتماعی، مشارکت اجتماعی و کل سرمایه اجتماعی و عملکرد مالی شرکت‌های تعاونی تولیدی_زراعی استان خوزستان در سطح ۹۵ درصد، رابطه‌ی معناداری با سرمایه اجتماعی وجود دارد. هم‌چنین نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان داد که چهار متغیر مستقل اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، آگاهی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، به‌طور تعاملی، ۷۴/۸ درصد تغییرات متغیر وابسته‌ی تحقیق را تبیین می‌کنند.

ازکیا، مصطفی و فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۶)، در مقاله‌ی بررسی سرمایه اجتماعی در انواع نظام‌های بهره‌برداری از زمین و عوامل مؤثر بر تبدیل بهره‌برداری‌های دهقانی به تعاونی، وضعیت سرمایه اجتماعی را در انواع نظام‌های بهره‌برداری مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها با استفاده از روش پیمایش نظرات بهره‌برداران حوزه آبریز کرخه را در مورد مقایسه تطبیقی بین دو شیوه‌ی فردی و جمعی از نظام‌های بهره‌برداری دهقانی و تعاونی با سایر انواع نظام‌های بهره‌برداری در وضعیت مشارکت، هنجارهای همیاری و نوگرایی جویا شده‌اند. نتایج تحقیق حاکی از این است که مشارکت، هنجار همیاری و تمایل به کار گروهی، نوگرایی و بهره‌وری در بهره‌برداران تعاونی، به شکل معناداری بالاتر از بهره‌برداران در واحدهای خرد و دهقانی

است. رکولا^۱ در سال (۲۰۱۳)، در تحقیق «چارچوب سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر فعالیت کارآفرینی» به این نتیجه می‌رسد که سرمایه اجتماعی از طریق جذب سرمایه‌های انسانی و مالی، کاهش هزینه‌های معاملاتی، شناسایی فرصت‌های جدید بازار و استفاده از دانش و اطلاعات به حفظ سرمایه‌گذاری و توان مزیت رقابتی افراد کمک می‌کند.

بریسکو^۲ (۲۰۱۰)، در تحقیقی با عنوان «موانع مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی محصولات کشاورزی» موانع موفقیت تعاونی‌ها را در شهر پاسیفیک شمالی در ایالت واشینگتن آمریکا، عدم توجه به آموزش، عدم میزان ارتباط عاطفی و درونی اعضا بی‌توجهی به بازاریابی محصولات کشاورزی و رهبری غیر پویا توسط هیئت‌مدیره می‌داند.

جدول ۱- خلاصه پیشینه‌های تحقیق

محقق	سؤال اصلی	سال و نوع روش تحقیق	نتایج
گرچی گرماسی و بابایی کارنامی	سرمایه اجتماعی چه نقشی در مشارکت اعضا تعاونی دارد	۱۳۹۶/ پیمایشی	رابطه بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و روابط اجتماعی) با مشارکت کشاورزان-اعتماد اجتماعی بیشترین تأثیر را بر مشارکت دارد
عمانی و همکاران	سرمایه اجتماعی چه تأثیری بر عملکرد مالی در تعاونی‌ها دارد	۱۳۹۴/ پرسش‌نامه روش spss	سابقه عضویت، تعداد اعضا، درآمد، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و عملکرد مالی تعاونی در سطح ۹۹ درصد و بین آگاهی اجتماعی، مشارکت اجتماعی و کل سرمایه اجتماعی و عملکرد مالی در سطح ۹۵ درصد، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
ازکیا، مصطفی و فیروزآبادی، سید احمد	بررسی سرمایه اجتماعی در انواع نظام‌های بهره‌برداری	۱۳۸۶، روش پیمایش	مشارکت، هنجار همیاری و تمایل به کار گروهی، نوگرایی و بهره‌وری در بهره‌برداران تعاونی، به شکل معناداری بالاتر از بهره‌برداران در واحدهای خرد و دهقانی است.
رکولا	تأثیر سرمایه اجتماعی بر کارآفرینی تعاونی‌ها	۲۰۱۳/ روش کمی	سرمایه اجتماعی بر کارآفرینی تعاونی‌ها از طریق مختلف تأثیرگذار است.
بریسکو	موانع موفقیت تعاونی‌ها	۲۰۱۰/ پرسش‌نامه	عدم توجه به آموزش، عدم میزان ارتباط عاطفی و درونی اعضا بی‌توجهی به بازاریابی محصولات کشاورزی و رهبری غیر پویا توسط هیئت‌مدیره

نقاط اشتراک این پژوهش با پژوهش‌های ذکر شده در آن است که به نقش و اهمیت سرمایه اجتماعی در جامعه، گروه‌ها و سازمان‌ها می‌پردازد و از نظر مبانی نظری-اشتراک مفهومی و مرور پیشینه راهنمای این پژوهش حاضر بوده و سرمایه اجتماعی را با توجه به نظریات بوردیو، پاتنام، کلمن و همچنین این مفهوم را در نظریات سازمانی مورد بررسی قرار داده‌اند. تحقیقات انجام‌شده، بیشتر به روش کمی و توصیفی انجام‌شده‌اند که نتایج آن‌ها بیشتر و بر عوامل فردی و بین گروهی تأکید دارند. این در حالی است که موضوع مورد بررسی آن‌ها، حساس و پیچیده بوده و شرایط ساختاری و نهادی را کمتر مورد توجه داشته‌اند. با

1. Raluca, M
2. Briscoe

این حال، تحقیق حاضر با در نظر داشتن حساسیت و پیچیدگی موضوع سعی در تحلیل فروپاشی سرمایه اجتماعی- از دلایل اصلی شکست تعاونی‌ها قلمداد می‌شود- دارد. بنابراین حصول به این هدف، از طریق موضع‌گیری و نگاه خاص به نسبت ذی‌نفعان اصلی (اعضاء تعاونی‌ها) و نشان دادن نظرات آن‌ها درباره‌ی فروپاشی سرمایه اجتماعی در تعاونی‌ها با روش تحلیل روایت مضمونی است.

روش پژوهش

تحلیل روایت^۱ از روش‌های تحقیق کیفی است که از مطالعه‌ی اظهارات و اعمال افراد در متن موضوعی شروع می‌کند. «تحلیل روایت با شکل خاصی از نظم زنجیره‌ای آغاز می‌شود. عبارت مفردی که قصد تفسیر آن را دارید. پس از آن که مشخص شد جزئی از روایت است تحلیل می‌شود. روایت‌ها به وسیله‌ی مصاحبه‌ی روایی تهیه و گردآوری می‌شوند تا بتوان بر اساس آن‌ها فرایند زندگی افراد را بازسازی کرد» (فلیک، ۱۳۸۷: ۳۶۸). روش‌های مختلفی برای تحلیل مصاحبه‌ی روایی پیشنهاد کرده‌اند. «اولین گام تحلیل (تحلیل صوری متن) عبارت است از حذف تمامی عبارت‌های غیر روایی و سپس تقطیع متن روایی «پالایش‌شده» به منظور تحلیل صوری آن. در مرحله بعدی توصیف ساختاری محتویات انجام می‌گیرد که بخش‌های مختلف و تقطیع روایت را با استفاده از حروف ربط مانند «و آنگاه» یا وقفه‌هایی به یکدیگر پیوند می‌زند. انتزاعی کردن تحلیل_ به منزله‌ی مرحله‌ی سوم_ از جزئیات متقاطع زندگی فاصله می‌گیرد. هدف از آن تشریح تبدیل «زندگی‌نامه به یک کل است، یعنی تشریح چهارچوب تجربیات زندگی فرد مطابق با توالی تاریخی از ابتدا تا به امروز». تنها پس از بازسازی الگوهای فرایندی است که اجزاء غیر روایی مصاحبه به تحلیل افزوده می‌شود. سرانجام، تحلیل‌های موردی که به این ترتیب انجام شده‌اند با یکدیگر مقایسه و مقابله می‌شوند. هدف بیشتر بازسازی «روابط متقابل جریان‌های فرایندی واقعی» است تا بازسازی تفسیرهای شخصی راوی از زندگی‌اش (همان: ۳۶۹). به لحاظ تکنیک نیز، از تکنیک تحلیل تماتیک (مضمونی) استفاده می‌شود. در این نوع تکنیک تحلیلی، سعی بر برکشیدن مضامین یا کد از طریق کدگذاری محتوای مصاحبه‌های انجام شده است (استراوس و کوربین، ۱۳۹۴: ۱۲۳). بر این اساس، حجم نمونه را «اشباع نظری» آن تعیین می‌کند. اشباع نظری مقوله مبنای داوری درباره‌ی زمان توقف نمونه‌گیری از گروه‌های مختلف مربوط به آن مقوله است. نمونه‌گیری و افزودن بر اطلاعات

هنگامی پایان می‌یابد که اشباع نظری یک مقوله یا گروهی از موارد حاصل شود، یعنی دیگر چیز جدیدی حاصل نشود (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۳۸-۱۳۹).

جامعه مورد مطالعه این پژوهش کلیه تعاونی‌های تولید روستایی ثبت شده در سازمان تعاون روستایی استان کردستان (۳۰ عدد) است (سازمان تعاون روستایی استان کردستان، ۱۳۹۷). روش نمونه‌گیری در مرحله اول به صورت سهمیه‌ای هست و هدف نمونه‌گیری انتخاب ۹ نمونه است به گونه‌ای که علاوه بر این که هر ده منطقه (شهرستان‌های استان) را پوشش دهد و از هر تعاونی کوچک، متوسط و بزرگ نیز ۳ نمونه را در برگیرد. در مرحله دوم جهت توزیع طبقه‌ای به نسبت نمونه‌ها اقدام به منطقه‌بندی (پهنه‌بندی)^۱ شهرستان‌های استان نموده‌ایم. بدین معنی که در منطقه یا پهنه اول شهرهای قروه، دهگلان و بیجار، در منطقه یا پهنه دوم شهرهای سقز، بانه و دیواندره، در منطقه یا پهنه سوم شهرهای مریوان و سروآباد و در منطقه یا پهنه چهارم شهرهای سنندج و کامیاران جای می‌گیرند. در مرحله سوم از میان هر یک از مناطق یا پهنه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای و به شیوه تصادفی به نسبت هر یک از تعاونی‌های کوچک، متوسط و بزرگ نمونه‌های مورد نظر را انتخاب نمودیم (جدول ۲).

جدول ۲- مشخصات نمونه‌های انتخاب شده برای مطالعه

نام تعاونی منتخب	نام منطقه	تعداد عضو	اندازه تعاونی	مساحت طرح (هکتار)
وحدت	دهگلان (پهنه شماره ۱)	۴۱۳	بزرگ	۱۰۲۰۰
آزادی	قروه (پهنه شماره ۱)	۱۴۰	کوچک	۲۵۰۰
چهاردولی	قروه (پهنه شماره ۱)	۲۰۵	متوسط	۳۷۰۰
لگری	سقز (پهنه شماره ۲)	۲۶۰	متوسط	۳۰۰۰
اتحاد	مریوان (پهنه شماره ۳)	۲۱۸	متوسط	۳۳۵۰
دیمه‌ن گاران	مریوان (پهنه شماره ۳)	۱۶۵	بزرگ	۱۶۴۰
زیویه	کامیاران (پهنه شماره ۴)	۳۸۹	متوسط	۱۴۰۴
امیرآباد-مرمشت	کامیاران (پهنه شماره ۴)	۶۳۵	بزرگ	۱۱۴۴
مزرعه باغات کلاترزان	سنندج (پهنه شماره ۴)	۱۷۸	کوچک	۱۰۹۵

منبع: سازمان تعاون روستایی استان کردستان (۱۳۹۷)

در بررسی‌های کیفی می‌توان از دو نوع نمونه‌گیری به صورت هم‌زمان استفاده کرد. این دو نمونه‌گیری عبارت‌اند از: نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری نظری. از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مورد مصاحبه و از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های مورد نیاز و یافتن مسیر پژوهش استفاده کرد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۸۹). همچنین از نمونه‌گیری با حداکثر تنوع برای گستردگی و شمولیت میدان مورد مطالعه استفاده شده است. در نمونه‌گیری با حداکثر تنوع نیز نمونه‌گیری یکی از راهبردهای ده‌گانه‌ی پاتن است (همان):

۱. این منطقه‌بندی با توجه به شرایط جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی و همچنین تقسیمات کشوری، مرکز شهرستان‌های استان کردستان لحاظ شده است.

۹۸) که برای انتخاب مشارکت‌کنندگان به کار گرفته می‌شود تا با استفاده از آن حداکثر تنوع موجود در میدان تحقیق در نظر گرفته شود. در گردآوری داده از طریق تکنیک مصاحبه شامل سؤالات مستقیم از مردم درباره تجربیات، عقاید، احساس و دانش‌شان می‌شود. در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع، جهت گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه عمیق و بحث گروهی استفاده شده است و داده‌ها از طریق ۹ بحث گروهی و ۴۳ مصاحبه عمیق ساخت‌یافته با مدیران عامل تعاونی‌ها، اعضای هیئت مدیره و اعضای تعاونی‌های تولید ۹ گانه گردآوری شد.

تحلیل یافته‌ها

توسعه اجتماع محلی مستلزم وجود جامعه‌ی محلی مشارکت‌پذیر و دارای سرمایه اجتماعی بالا است، در چنین فضایی است که می‌توان به دوام و ماندگاری طرح‌های توسعه‌ای امیدوار بود و از طریق ایجاد تشکل‌های مردم‌نهاد مانند تعاونی‌های تولید روستایی، ضمن احترام به دیدگاه ذی‌نفعان محلی، پایداری سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی را نیز فراهم آورد.

جدول ۳- تحلیل مضمونی یافته‌های پژوهش

مضمون نهایی	مضمون‌های اصلی	زیر مضمون‌ها	مفاهیم تشکیل دهنده مضمون‌ها
روستایی-شهری توسعه محلی	افول اعتماد به تعاونی	عدم انتفاع کشاورزان	بی‌اعتمادی به عوامل تعاونی، ذهنیت منفی نسبت به تعاونی، متضرر شدن کشاورزان از تعاونی، سودآور نبودن تعاونی برای اعضا، نبود فضای اجتماعی اعتماد ساز، ضعف بودن اعضای هیئت‌مدیره، کم‌کاری تعاونی‌های قبلی، کارآموز بودن مدیرعامل‌ها، شکست تعاونی‌ها، بدهکار شدن تعاونی‌ها، انگ زنی به تعاونی‌ها، فقدان خدمات کشاورزی، عدم شفافیت منابع مالی، مشخص نبودن سود سهام، ابهام در درآمد و هزینه‌ها.
		ضعف عملکردی تعاونی	
		پروژه‌های شکست‌خورده	
		تجارب ناموفق قبلی	
		عدم شفافیت مالی	
		ذهنیت منفی	
	مشارکت نامطلوب	ورشکستگی تعاونی‌ها	پیشینه منفی تعاونی، حساس شدن تشکیل تشکل به نام تعاونی، ناکارآمدی تعاونی‌های قبلی، عدم موفقیت و ضعف بنیه مالی، بد شدن نام تعاونی، دید منفی ناشی از کج‌دستی عوامل، اجرای پروژه‌های ناقص، سیستم‌های سنتی آبیاری، افزایش بدهی‌ها، پروژه‌های بدون برنامه و زمینه‌سازی، ضعف مدیریتی تعاونی، شکست‌های ناشی از کم‌تجربگی عوامل، مقایسه تعاونی‌ها با یکدیگر از طرف کشاورزان.
		مشارکت سنتی	
		مشارکت محدود	
	بی‌اعتمادی مضعف و عدم اثربخشی سازمانی	مشارکت بدون هزینه	مشارکت در گذشته، همکاری‌های سنتی، شرکت نکردن در جلسات تعاونی، ارتباط کم با تعاونی، به‌روز نبودن تعاونی‌ها، عدم مدیریت در تعاونی، بی‌رغبتی کشاورزان به دلیل ناکارآمدی، عدم همکاری به دلیل کم شدن خدمات تعاونی، مشارکت به شرط نداشتن هزینه برای کشاورز، بی‌رغبتی جهت جلوگیری از ضرر و زیان، عدم آموزش مستمر و کاربردی.
		مشارکت جهت‌دار	
		بی‌اعتمادی فردی	
کاهش همبستگی اجتماعی	بی‌اعتمادی نهادی	اختلافات اعضا، خوشحالی مردم از مشکلات یکدیگر، شکست طرح‌های قبلی، انحلال گروه‌های سنتی مشارکت، بی‌تفاوتی بین مردم، بی‌تفاوتی به نهادها، بدبینی به نهادهای دولتی، انگ زنی به عوامل تعاونی، بی‌اعتمادی به سازمان تعاون و عدم کارایی آن، تداخل سازمانی، کمک نکردن و بی‌توجهی سازمان‌های ذی‌ربط.	
	رشد فردگرایی		
	کاهش اهمیت مراجع محلی		
	خداشه‌دار شدن انسجام اجتماعی		
تغییرات فرهنگی	تغییرات فرهنگی	تغییرات فرهنگی	اختلاف‌نظر میان مردم، عدم هماهنگی بین مردم. ازدیاد گرفتاری‌ها، پشت کردن مردم به یکدیگر، تعارض روستاها در انتخاب مدیرعامل و هیئت‌مدیره، تغییر فرهنگ مشارکت، ناهم‌سازی اعضا، بدبینی به یکدیگر، هرکسی دنبال کار خودش، شایعه‌پراکنی به دلایل فردی، مهاجرت کشاورزان به شهر، عدم حرف‌شنوی از معتمدین محلی، پروسه یکسان‌سازی روستاها با شهرها.

مفروضه‌ی بنیادین این پژوهش، فروپاشی سرمایه اجتماعی در میان تعاونی‌های تولید روستایی به روایت ارکان تعاونی‌ها و ذی‌نفعان است. بر این اساس در قالب روش تحلیل روایت مضمونی، دیدگاه‌های افراد به شرح جدول زیر آورده شده است.

افول اعتماد به تعاونی

درک و تجربه مصاحبه‌شوندگان از جایگاه، نقش کارکردی و عملکردی تعاونی تولید، علی‌رغم تنوعات جغرافیایی مناطق مورد پژوهش و سنخ‌های مصاحبه‌شونده (کشاورز، مدیرعامل، هیئت‌مدیره)، متأثر از عواملی مانند؛ کم و کیف ارائه خدمات به کشاورزان، پیشینه‌های چالش‌برانگیز تعاونی‌های موجود در منطقه (اعم از تعاونی مصرف، مرتع‌داران، دامداران و...)، مسائل مالی و سازمانی آن‌ها و پروژه‌های انجام‌شده است. پروژه‌های اجراشده، که نتیجه‌ی آن استقرار تعاونی بوده است، از همان ابتدا، چون با نگاه از بالا به پایین^۱ و به‌صورت مشارکت هدایت‌شده صورت گرفته است. این امر موجبات بدبینی در میان اعضا را فراهم آورده است. قریب به اتفاق این پروژه‌ها با شکست مواجه شده‌اند یا به‌صورت ناتمام و ناقص اجراشده‌اند (با تأکید بر نظرات بهره‌برداران). مضافاً، منتفع نشدن کشاورزان از خدمات این تعاونی‌ها، ذهنیت منفی ناشی از عدم شفافیت‌های مالی، اعتماد به تعاونی را در سرایشی قرار داده است.

... ما اون روستاهایی که گشتیم مردم نظرشان این‌که تعاونی همکاری و همیاری میاره اما مردم بدبین شدند به تعاونی‌ها، چون تعاونی‌های دیگه‌ای که استقرار یافته بودند مثلاً تعاونی روستایی زریبار ۳ حق عضویتی رواز مردم گرفتند و سود و اینهاش معلوم نشد که چکارش کردند و هیچ‌کسی از روند تعاونی اطلاع نداره. در اول کار این تعاونی، که در چند روستا عضوگیری کردیم کسی پیش‌قدم نمی‌شد و عضو نمی‌شدند و حق عضویت رو پرداخت نمی‌کردند و بدبین بودن (عضو هیئت‌مدیره ۳۵ ساله، تعاونی تولید دیمه‌ن گاران).

... قبلاً در تعاونی گشکی^۲ (تعاونی روستایی) بود اما ما در آن نبودیم و اطلاعی هم نداریم... چون نه کاری کردند نه چیزی پخش کردن نه هیچی... من ده‌ساله کشاورزی می‌کنم هیچی از تعاونی ندیدم (کشاورز ۴۳ ساله، عضو تعاونی تولید زیویه).

درجه بدبینی به تعاونی در میان کشاورزان عضو، تا اندازه‌ای است که در مناطق مورد مطالعه، هر نوع فعالیت و اعمالی که اسم تعاونی را یدک بکشد، مورد شک و تردید واقع می‌شود. گزاره زیر مؤید این مهم است.

کاش اسمش تعاونی نبود آگه ما اسم مون آب بران یا یک تشکل دیگه بودیم می‌تونستیم خیلی موفق‌تر باشیم. به‌خاطر پیشینه‌ی تعاونی هست (مدیرعامل ۳۴ ساله، تعاونی تولید امیرآباد - رمشت).

۱. منظور اجرای پروژه‌ها با خواست دولتی و نهادهای ذی‌مدخل آن در مقابل خواست عمومی مردمی و نیاز اجتماع محلی است.

۲. نام روستایی در شهرستان کامیاران که تعاونی روستایی در آن قرار داشت و به توزیع خواروبار مصرفی می‌پرداخت.

این بدبینی که پیشینه نامطلوب تعاونی‌ها زمینه‌های آن را فراهم ساخته است، با عملکرد خدماتی تعاونی‌ها نیز کاملاً مرتبط است. به عبارت روشن‌تر، کشاورزان عضو بدین دلیل به تعاونی‌ها بی‌اعتماد هستند که به‌زعم خود، تعاونی‌ها جایگاهی خدماتی و عملکردی نسبت به آن‌ها نداشته‌اند.

متأسفانه اکثر تعاونی‌هایی که کار کردن نه تنها در این منطقه بلکه در خیلی جاهای دیگر هم عملکرد خوبی ندارند و باعث شدن که اون ذهنیت وارد نسل جوانم بشه که مثلاً الان به جوان وارد یک تعاونی میشه یک ذهنیت خوب نداره در ابتدا (عضو هیئت‌مدیره ۳۸ ساله، تعاونی تولید امیرآباد_رمشت).
تعاونی‌های قبلی یا ناکارآمد بودند یا ناموفق.. که این‌ها تأثیر گذاشتند روی این تعاونی ... نمونه ناکارآمدی که این‌جا تعاونی داشتیم که همیشه این‌جا اسمی ازش ببرم که از عوامل آن بود.. ناموفق بودن تعاونی دلیلش عدم بنیه مالی بوده است... این دیدی رو ایجاد کرده که تعاونی اسمش بد شده و مردم هم مشارکت نداشته‌اند. (عضو هیئت‌مدیره ۳۴ ساله، تعاونی تولید باغات آزاد کلاترزان).

به دلایل فوق‌الذکر، مصاحبه‌شوندگان (به‌ویژه کشاورزان عضو) در این زمینه ابایی از انگ زنی و شایعه‌پراکنی ندارند. در این‌جا مسئله پژوهشگران نه صدق/کذب بودن این ادعاها، بلکه کارکرد اجتماعی این مسائل در پیوند با جایگاه و نقش تعاونی‌ها و متعاقباً مسئله‌مند شدن «اعتماد به تعاونی» است. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان، بخش مهمی از عوامل بی‌اعتمادی به تعاونی‌ها را ناشی از وجود تعاملات نابهنجار (یا به‌صورت عامیانه: کج‌دستی) و عدم شفافیت مالی تعاونی‌ها می‌پندارند. آن‌ها مدعی‌اند که به دلیل مشارکت ندادن اعضاء در تصمیمات تعاونی‌ها - که البته در بخش ویژه‌ای به آن پرداخته می‌شود- از عملکرد مالی آن‌ها بی‌خبرند و گاهی نیز مدعی وجود اختلاس در این نهاد می‌شوند. ماهیت این مسئله هر چه باشد، یکی از عوامل مؤثر بر نامطلوب تلقی کردن نقش و جایگاه تعاونی‌ها به‌صورت عام و تعاونی تولید به‌صورت خاص است:

گفتیم خدا کند کنه کاری برامون بکنه و سودی داشته باشه چون تعاونی‌های قبلی معلوم نشد که سودش رو دزدیدن یا چی شد (کشاورز_۴۳ ساله، عضو تعاونی تولید دیمه‌ن گاران).

با این وجود، مدیران عامل و اعضای هیئت‌مدیره، روایت‌های متفاوتی (انگ زنی و شایعه‌پراکنی‌ها) از این مفاهیم دارند. آن‌ها بی‌اعتمادی و متعاقباً شایعه‌پراکنی‌های کشاورزان را ناشی از وجود پروژه‌های شکست‌خورده، عدم وجود سرمایه مالی و سابقه تعاونی‌های قبلی قلمداد می‌کنند. از منظر مدیران عامل و اعضای هیئت‌مدیره، فقدان منابع مالی و متعاقباً بدبینی کشاورزان عضو به تعاونی‌های تولید به‌رغم وجود زمینه‌های شکل‌گیری آن، مسئله‌ی

خودگردانی تعاونی‌ها و عدم حمایت‌های دولتی از سال ۱۳۸۹ به بعد^۱، عامل اصلی بدبینی، شایعه‌پراکنی و کاهش مطلوبیت کارکردی و عملکردی تعاونی‌های تولید است. بر همین سیاق، با توجه به گفت‌وگوها با مدیران عامل و اعضای هیئت‌مدیره تعاونی‌ها می‌توان اذعان داشت که وجود سابقه شکست در انجام پروژه‌ها و فقدان منابع مالی تأمین‌کننده خدمات کشاورزی که خود ناشی از لغو حمایت‌های دولتی بوده، از عوامل اصلی و مداخله‌گر در کاهش اعتماد کشاورزان به تعاونی‌ها است.

خودبه‌خود اون تعاونی چون‌که مدیرعاملش هم تا کار دست‌اش اومده، کارآموزیش تمام‌شده و استخدام‌شده و رفته تا نفر بعدی که می‌تونست تجربه کسب کنه تعاونی یه مقدار دیگه متضرر شده بود. اون روند باعث شده که مردم بگن که فلانی دزدی کرد و رفت. پس اون ذهنیتی که مردم میگه تعاونی دزدی کرد بخشیش قطع حمایت‌های دولتی بوده که باعث شده تعاونی دیگه نتونه خدمات ارائه بده و مردم هم فکر می‌کنن که تعاونی داره واسه خودش دزدی می‌کنه و به اونا نمی‌ده (مدیرعامل_۳۸ ساله، تعاونی تولید وحدت)

من از سال ۸۹_۹۰ این‌رو تحویل گرفتم به‌عنوان مدیرعامل، تقریباً تا سال ۹۲ بدهی‌اش به ۶۰۰ میلیون تومان رسیده بود، اون هم به خاطر اون طرح آبیاری تحت فشار ویلمو که یه سیستم قدیمی بود. کشاورزان دیگه دیدشون به نسبت این تعاونی و کل طرح‌ها منفی شد و دیگه حاضر به مشارکت نیستند. زیربار ۱ و اتحاد این مشکل واسشون پیش اومد به دلیل بدهی طرح ناموفق سیستم آبیاری ویلمو. این تعاونی تولید با گرفتن تسهیلات تونستن ۴ طرح پرواربندی داشته باشن. این چهار طرح جزو طرح‌های موفق بودند، اما به دلیل تجربه ناموفق قبلی و بدهی‌ها و ضعف مدیریتی تعاونی باعث شد هم طرح‌هاشو از دست بده و هم اینکه خودش هیچی تو خزانه‌ش باقی نمونه. این باعث مشکل شده واسه ما. حالا شاید واسه تعاونی مصرف و بقیه هم این مشکل پیش اومده باشه یا پیش بیاد. در کل فرق نمیکنه، تجارب متعدد شکست باعث شده که کشاورزان به هرچی تعاونیه شک کنن (مدیرعامل_۴۰ ساله، تعاونی تولید اتحاد).

در میدان مورد مطالعه این پژوهش و در پهنه‌های چهارگانه آن، به درجات متفاوتی تعاونی‌های تولید از کاهش اعتماد اجتماعی کشاورزان به دامنه فعالیت‌ها و به‌صورت کلی به ماهیت و جایگاه آن رنج می‌برند. دلیل این آسیب اگرچه از دید کشاورزان و مدیران عامل و اعضای هیئت‌مدیره متفاوت است، اما بازسازی این اعتماد اجتماعی چالش پیش روی تعاونی‌های تولید است. بعضی مواقع اعتماد به‌عنوان یک فرصت است. به‌عبارت‌دیگر اعتماد منعکس‌کننده ضرورت وابستگی بر اساس روابط فامیلی در شبکه‌هاست. تمیز بین این دو مفهوم برای درک درجه ارتباطات اجتماعی مردم و توانایی این ارتباطات برای تحمل تغییرات سریع یا دشوار، ضروری است (ددویک^۲، ۲۰۰۶: ۲۰). بنابراین اعتمادی که بین اجتماع منسجم

۱. این مورد در تعاونی‌های باسابقه‌تر یافت شد که قریب به‌اتفاق، همه‌ی هیئت‌مدیره و مدیرعاملان به آن اشاره نمودند. ما به دلیل این‌که از مباحث اصلی خارج نشویم از پرداختن به این موضوع [مسئله‌ی خودگردانی تعاونی‌ها و عدم حمایت‌های دولتی از سال ۱۳۸۹ به بعد] خودداری می‌کنیم. هرچند به این امر واقف هستیم که بحث مهم و جدی‌ای است.

محلی و نهادهای محلی وجود دارد، برای تکوین و توسعه سرمایه اجتماعی پیونددهنده ضروری است.

همان بدینی مردم نسبت به تعاونی باعث شکست آن میشه و مشارکت مردم از دست بدن. و این همه برای مردم است، و یکی از چیزهایی که باعث موفقیت آن میشه همین کسب اعتماد دوباره به تعاونی است که باید بدستش بیاریم اما متأسفانه باوجود اقدام‌هایمان هنوز مجال آن را تابه‌حال نداشتیم (مدیرعامل _ ۳۰ ساله، تعاونی تولید دیمه‌ن گاران).

مشارکت نامطلوب

دستیابی به توسعه پایدار، از مسیر تأسیس تشکل‌های اجتماعی فعال شامل اتحادیه‌ها و تعاونی‌هایی گذرد. این تشکل‌ها یکی از بدیل‌های جلب مشارکت مردم محلی است که می‌تواند نقش مؤثری در روند تغییر و تحولات مثبت جامعه داشته باشد. در هر جامعه محلی می‌توان شیوه‌های سنتی مشارکت مردم در بخش کشاورزی و دیگر جوانب حیات اجتماعی آنان را مورد مشاهده قرارداد. در واقع، جامعه‌های سنتی بدین دلیل که بر همبستگی اجتماعی مکانیکی استوار بودند، حد بالایی از همیاری و امور اجتماع‌محور را از خود نشان می‌دادند. به‌رغم تغییر و تحولات اجتماعی، دگردیسی ارزش‌های فرهنگی و تبدیل جوامع سنتی به جوامع مدرن، سنت‌های مشارکت گروهی به اشکال مختلف هنوز در جوامع روستایی وجود دارند. با این حال، پیشینه فرهنگی_ اجتماعی میدان مورد مطالعه پژوهش حاضر، دارای این قسم از مشارکت‌های سنتی بوده است، که گاهاً نقش مؤثری در مشارکت اجتماعی کشاورزان عضو در امور تعاونی‌های تولید را نیز دارد.

در قدیم هم این همکاری‌ها بود اما نه به‌صورت منسجم و سازمان‌یافته. یا مثلاً در بحث توزیع آب کشاورزی که مردم باهم همکاری داشتند. در این پروژه هم در بحث برای توزیع آب، ما به کشاورزان گفتیم که با همکاری هم این کار رو بکنند که خوشبختانه همکاری و اعتماد قبلی و آنچه در قدیم بود مؤثر بود و مشکل ما رو هم حل نمود (مدیرعامل _ ۳۲ ساله، تعاونی تولید زیویه).

بحث کار کشاورزی "جوگه مأل" داریم (لایروبی جوی‌های زمین‌های کشاورزی)، "پیاو به پیاو" (یک نفر از این خانواده به کمک خانواده که در صورت نیاز خانواده و در موقع کار یک نفر از همان خانواده به کمک خانواده اولی میره و جبران می‌کنه) در بحث امام‌جمعه و این‌ها هم مردم مشارکت خوبی رو باهم دارند (مدیرعامل _ ۳۰ ساله، تعاونی تولید دیمه‌ن گاران).

آره، می‌رفتیم کمک و همیاری یکدیگر، می‌رفتیم "گه‌ل"^۱. مثلاً همسایه زمین من که کارش تموم می‌شد میومد کمک من واسه درو، میومد گه‌ل من. ولی الان نموده دیگه. گرفتاری زیاد شده، مردم بهم پشت کردن. اون

۱. اصطلاحی در زبان کردی و به معنای همکاری و مشارکت است.

زمان دیگه رفت و بزرگ و کوچک نمونه. قدیم بزرگ داشتیم و حرف اول و آخر اون می‌زد (کشاورز_ ۵۵ ساله، عضو تعاونی تولید چهاردولی).

امروزه در سازمان‌ها، نهادها و تشکلهای مدرن، مشارکت مبتنی بر تفاهم، مباحثه، اعتماد و... بنیان مشارکت اجتماعی را تشکیل می‌دهد. با توجه به این مسئله که کم و کیف مشارکت اجتماعی در هر تشکلی نیازمند وجود سطح مطلوبی از اعتماد اجتماعی است و در بخش‌های قبلی نیز به عدم اعتماد اجتماعی کشاورزان به تعاونی‌های تولید پرداخته شد، می‌توان اذعان داشت که مشارکتی در سطح مطلوب بین مصاحبه‌شوندگان وجود ندارد.

البته جلساتی که تعاونی میزبان مردم مشارکت نمی‌کنند و بیشتر از ۱۰ نفر هم نمایان کمتر حتی. ما ۱۵ همراه کلاس داریم و ۳۰ همراه هم همین‌طور... و بعد می‌ایم تو مزرعه‌ها و... بعد می‌بینی پنج نفر و شش نفر میان (کشاورز_ ۳۷ ساله، عضو تعاونی تولید زیویه).

اصلاً هیچ مشارکتی باهم نداریم... باید تعاونی وجود داشته باشه (کشاورز_ ۶۰ ساله، عضو تعاونی تولید آزادی)

نه، مردم ارتباط خیلی کمی با تعاونی دارن. تعاونی‌ها مون به‌روز نیستن، تعاونی‌ای که به‌روز و پویا نباشه نمی‌تونه با مردم ارتباط برقرار کنه. تعاونی کارایی نداره این‌جا و مردم هم دیگه لزومی نمی‌بینن که باهاش آشنا باشن. حالا این مدیرعامل جدید که اومده خودشو با مردم درگیر کرده، حتی انفرادی هم باهاشون کار میکنه ولی درکل مردم آشنایی آن‌چنانی‌ای ندارن از این چیزا. بی‌مدیریتی باعث شده که مردم نه آشنایی داشته باشن و نه مشارکتی داشته باشن. مشکل آینه که مدیرعامل‌های قبلی مقطعی بودن و کاری هم زیاد به کشاورزا نداشتن (کشاورز_ ۵۷ ساله، عضو تعاونی تولید وحدت).

الان آگه همکاری هم نمونه به این خاطر که مثل قبل تعاونی حمایت‌گر نداره و انتظارات مردم هم برآورده نمیشه تو تعاونی، واسه همین همکاری هم نمونه. آگه سودی عاید مردم بشه، آگه تعاونی بتونه بهشون خدمات بده، اون‌ها هم همکاریشون با ما بیشتر میشه خوب (عضو هیئت‌مدیره_ ۵۵ ساله، تعاونی تولید چهاردولی).

از کدهای زنده فوق‌پیداست که سطح مشارکت کشاورزان عضو در تعاونی‌های تولید، بسیار کم است. آن‌ها یا آشنایی با تعاونی‌ها ندارند و یا آن‌که به دلیل فقدان کارکرد آن‌ها در فعالیت‌های بخش کشاورزی، کشاورزان هم به آن‌ها بی‌اعتمادند و هم این‌که به دلیل شکل‌گیری نوعی بی‌تفاوتی اجتماعی، حاضر به مشارکت در امور آن تعاونی‌ها نیستند. حتی آن مشارکت اندکی نیز که از سوی کشاورزان شکل می‌گیرد، بیشتر از سنخ مشارکت‌های بدون هزینه است. به‌عبارت‌دیگر، کشاورزان عضو حاضر به مشارکت در اموری که هزینه‌بر است، نیستند.

متأسفانه یکی از مشکلاتمان آینه که کشاورز زمانی مشارکت میکنه که هزینه‌ای براش نداشته باشه، همین حالا که تعاونی داره واگذار میشه و به مردم میگن که سهامشون بخرید رغیبتی ندارن، چون اون خدمات قبلی نمونه که بهشون ارائه بشه (مدیرعامل_ ۳۶ ساله، تعاونی تولید لگزی).

...نه، تو این زمینه راغب نیستن. حاضر به سرمایه‌گذاری تو این قسمت نیستن، تنها مگر دولت کمک کنه... کشاورزایی که پول خودشون خرج بشه راغب نیستن (مدیرعامل_۴۳ ساله، تعاونی تولید چهاردولی).

در سمت و سویی دیگر از این مورد، دولت و نهادهای ذی‌مدخل قرار داشته که توأمان بُعد عدم مشارکت مطلوب را بازنمایی می‌کنند. مشارکت جهت‌دار، عدم آموزش مستمر و کاربردی و... شکاف بین کشاورز و نهادهای دولتی (به میانجی تعاونی) را بیشتر کرده است. ازکیا (۱۳۹۴)، در بحث مشارکت دولت، از چهار شیوهی ضد مشارکتی، مشارکت هدایت‌شده، مشارکت فزاینده و مشارکت واقعی نام می‌برد که بر اساس یافته‌های مصاحبه‌ها [در این جا] مشارکت سوم بیشتر خودنمایی می‌کند. در این شیوه، دولت‌ها با فرایند مشارکت مخالفت نمی‌کنند ولی در فراهم آوردن پشتوانه‌های لازم برای تحقق و تقویت مناسب آن کوتاهی می‌کنند. پاسخ دولت‌ها در این نوع مشارکت حالت مقطعی و نمایشی دارد. به‌گونه‌ای که برخوردها حالتی دوگانه‌گرا پیدا می‌کند. دولت در یک مقطع زمانی از مشارکت به‌صورت گسترده حمایت می‌کند و در مقطعی دیگر با سکوت از کنار آن می‌گذرد. در این شیوه دولت در آغاز و شروع فرایند مشارکت حضور مناسبی دارد ولی پس از مدتی به دلیل گسترش نظام دیوانسالاری از حیث مدیریتی فرایند مشارکتی دچار وقفه و مشکل می‌شود.

بی‌اعتمادی مضاعف و عدم اثربخشی سازمانی

عدم مشارکت مردم، همزمان و هم‌ارز مشارکت هدایت‌شده و جهت‌دار دولت بوده است؛ به این صورت که نهادهای ذی‌ربط، توجهی به آموزش، توانمندسازی و اقداماتی در راستای مشارکت مردمی با پروژه‌ها نداشته‌اند. لذا روابط اجتماعی فردی و نهادی (به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی-اعضاء باهم، اعضاء و نهادهای ذی‌مدخل-شرایطی را سبب شده است که می‌توان بی‌اعتمادی مضاعف بین آن‌ها نام نهاد. این مقوله، روایت‌های همگرایانه‌ای در روابط اعضاء و نهادها را که دچار خدشه شده است، توضیح می‌دهد.

مشارکت مردمی کمه، مشارکت هم‌زمانی کمه که مردم اعتمادی به سازمان‌ها و تعاونی‌ها ندارند. پدر ما سال ۷۴ و اینا جزو هیئت‌مدیره بوده. ما هم کم‌وبیش چیزی ازش حالی می‌شدم. مردم به چشم پادگان آموزشی بهش نگاه می‌کردن چون مال سپاه بود. همین باعث شد که مردم سرد بودن، مردم نمی‌دونستن که آیا آخرش میشه مال سپاه یا جهاد کشاورزی. چون به مدت سپاه گرفته بودتیش (کشاورز_۴۵ ساله، تعاونی تولید وحدت).

دلیلش بی‌تفاوتی مردم و ساختار اصلی نظام است. اینقد حیف و میل شده که نگو. اینقد قول‌های الکی به مردم دادن و اجراشون نکردند مردم هم بدبین شدند. حکومت شفاف‌سازی نکرده و مردم هم اعتماد ندارند (کشاورز_۵۵ ساله، عضو تعاونی تولید دشت لگزی).

عدم اثربخشی سازمان‌های مربوطه بر روی تعاونی‌ها چنان جدی است که علناً وجود آن‌ها مبهم و بی‌کارکرد شده است. عدم نظارت، مدیریت و تسهیلات و... این سازمان‌ها، موجب بی‌اعتمادی نهادی کشاورزان به نسبت سازمان‌های ذی‌مدخل و متعاقباً تعاونی‌های استقرار یافته شده است.

سازمان‌های جهاد کشاورزی و تعاون روستایی که در پروژه دست داشته و آب منطقه‌ای مربوط به وزارت نیرو هست یعنی باوجود ما اومدیم توی مسئولیت این سه تا وزارتخانه که واقعاً با ما معلوم نیست. پروژه رو به خودمون بلند اما چون بحث تداخل ادارات هست هیچ تعیین تکلیفی رو نکردند... هیچ کمکی هم بهمون نکردند، الان این اسکله رو نگاه کنید فرسوده شده... سازمان تعاونی روستایی حتی یک‌ذره کمکی هم به ما نکرده است (مدیرعامل_۳۶ ساله، تعاونی تولید لگزی).

می‌توان گفت، تشویق تشکیل نهادهای مدنی، تقویت آموزش‌های گروهی، استفاده‌ی مؤثر از رسانه‌های ارتباطی، اصلاح الگوهای رفتاری کارکنان و مدیران، پایبندی به اخلاقیات، توجه به مصلحت عامه و از همه مهم‌تر، بسترسازی فرهنگ توسعه توسط دولت می‌تواند باعث تقویت نهادهای غیردولتی و درنهایت ارتقای سرمایه‌های اجتماعی شود (حسینی، ۱۳۸۹: ۳۸). باوجود این است که در رشته مطالعات سازمانی سرمایه اجتماعی می‌تواند در حکم ساختار غیررسمی (ساختار اجتماعی که در پس سلسله‌مراتب رسمی شرکت وجود دارد) درک شود (سمنله ند، ۲۰۰۸).

کاهش همبستگی اجتماعی

سرمایه اجتماعی به تعبیر تخصصی آن، برآیند نتایج واقعی یا بالقوه‌ای است که از شبکه‌ای منسجم از روابط کم‌ویش نهادینه‌شده‌ی آشنایی و شناخت متقابل با عضویت در یک گروه حاصل می‌شود. در توضیح باید گفت که منظور از شبکه‌ای منسجم، ساختاری است که اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند و به آن اعتبار می‌بخشد. هم‌چنین، در تبیین روابط، باید گفت که در حالت عمومی ممکن است ناشی از مبادلات مادی و نمادین مانند به‌کارگیری اسم مشترک (نام خانوادگی، طبقه، حزب و غیره) باشد و به لحاظ اجتماعی آن را به هم مرتبط می‌کند (بورديو، ۱۹۸۶: ۱۴۷-۱۴۸). اما نقض این بحث را هم عضوی از تعاونی چنین بیان می‌کند:

ببینید، قبلاً، دوره‌ای که پدر ما مشغول این کار بودن، می‌شد اما الان هرکی تو روستا بخواد دنبال این مسئله بیفته، یه جورایی پشتیبان نداره از طرف مردم روستا. پشتشو خالی می‌کنن. والا مسئله اعتماد، تا الان دو سه تا

تعاونی ورشکست شدن و رفتن. تعاونی زریبار بود که رفت، اعتماد به کسی نداریم. الان تو این روستا من بیوفتم دنبال تعاونی کسی به من اعتماد نمی‌کنه. حالا (ن. م) میومد این‌جا واسه مردم صحبت کنه، یکی هوو می‌کرد و یکی واسش دست می‌زد (کشاورز_ ۴۲ ساله، عضو تعاونی تولید اتحاد).

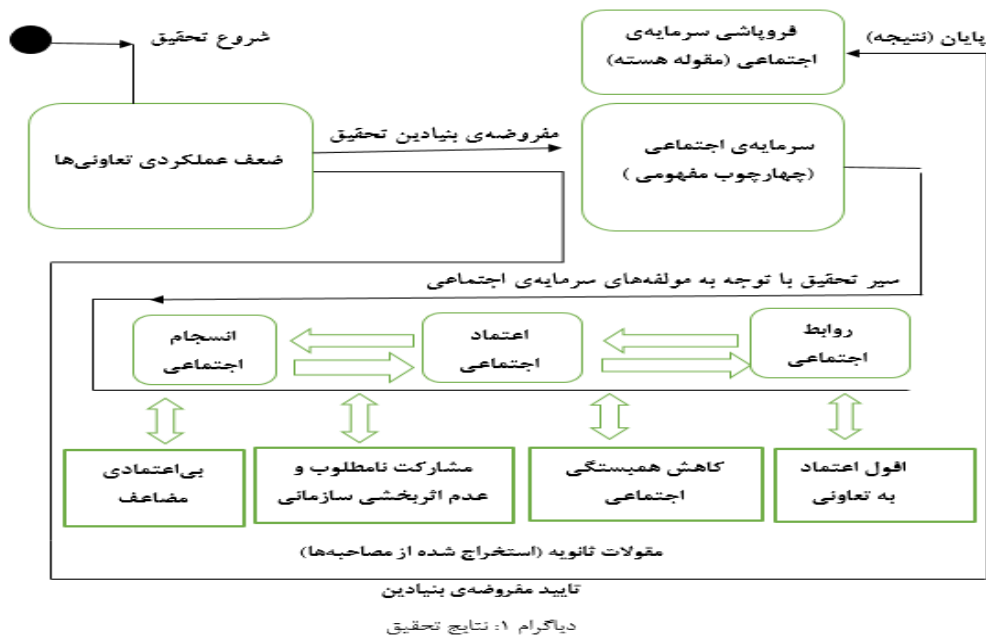
هر کی الان به فکر خودشه، هرکسی رو زمین خودش کار میکنه و واسش فرقی نداره که همسایه‌اش کییه و چکار میکنه... (کشاورز، ۵۵ ساله _ عضو تعاونی تولید زیویه)

الان کشاورزی مثل قدیم نمونده که کشاورز توی ده بمونه و هرروز به زمین‌هاش سر بزنه... همه تو شهرن، فقط وقتای که کار دارن میان اینجا و کارهاشون میکنن و برمی‌گردن... واسه همینه تو نمی‌تونی چند نفرشون رو دور هم جمع کنی و باهاشون مشورت بکنی... کسی نیست تو روستا... فقط چند خانواده‌اند که اونا هم‌توان مالی ندارن که برن... مثل قدیم نیست که از ریش سفیدا و امام‌جمعه نظر بخوان و کارا و به دست اونا بدن... الان هرکسی واسه خودش داره کار میکنه (عضو هیئت مدیره، ۴۵ ساله _ تعاونی تولید دیمه‌ن گاران)

اعتماد و مشارکت منجر به انسجام اجتماعی در یک جامعه می‌گردد. اما این، انسجام اجتماعی (به‌عنوان مؤلفه‌ی دیگر سرمایه اجتماعی) با رشد فردگرایی و کاهش اقتدار مراجع محلی و همچنین مهاجرت و رشد فرهنگ شهری شدن روستاها - که خود به منجر به دگرذیسی اجتماعی - فرهنگی شده است - دچار زوال شده است. از این‌روست که می‌توان گفت که تصور فرد از پیامدهای مشارکت، ارزیابی فرد از قضاوت‌های دیگران در مورد مشارکت و سوابق فرد در زمینه مشارکت به امکان مشارکت که شامل وضعیت قانونی و نهادی در زمینه مشارکت و امکانات و شرایط لازم برای مشارکت است، بستگی دارد (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۲۵-۲۲). از این‌رو سرمایه اجتماعی به‌منزله‌ی چیزی است که انسجام جوامع و گروه‌ها را تضمین می‌کند و بدون آن هیچ رشد اقتصادی یا بهزیستی انسان میسر نمی‌شود.

سیر روایی در این پژوهش، با توجه به موضع‌گیری محققان و مفروضه‌ی بنیادین آن‌ها در تحلیل فروپاشی سرمایه اجتماعی تعاونی‌های تولید روستایی، از روایت اعضاء، هیئت‌مدیره و مدیرعاملان این تعاونی‌ها بوده است. ضعف عملکردی تعاونی‌ها را در رابطه‌ی فروپاشی سرمایه اجتماعی آن‌ها تحلیل نموده و با توجه به پیشینه‌های تحقیقی و چهارچوب مفهومی سرمایه اجتماعی در نظریات بوردیو، کلمن و پاتنام به این امر پرداختیم. با توجه ضمنی به سه مؤلفه‌ی اعتماد، روابط و انسجام اجتماعی از این روایت‌ها تحلیل را پیش برده و برای شرح و توضیح، تأکید، اثبات یا اشاره به هر مورد برآمده از مصاحبه‌ها _ به‌صورت مصاحبه فوکوس-گروپ و گاهاً تک‌نفره _ به روایت مدیرعاملان و هیئت‌مدیره و اعضای تعاونی اشاره گردیده است. ابتدا شرح کلی و نتیجه حاصله از مصاحبه‌ها در قالب جدول ذکر شده که در وهله اول مفاهیمی استخراج گردیده و سپس از این مفاهیم، زیر مضمون و از زیر مضمون‌ها، مضامین اصلی بیرون کشیده شد تا توضیح‌دهنده مضمون اصلی باشد که موضوع مورد بررسی این

پژوهش است (جدول شماره ۳). مقولات برآمده از این امر در رابطه باهم و مضمون اصلی - فروپاشی سرمایه اجتماعی - تحلیل و از آن نتیجه‌گیری زیر حاصل گردید.



نتیجه‌گیری

تعاونی تولید به‌عنوان سازمانی مردم‌نهاد، گرچه در ایران با مشارکت جهت‌دار دولت‌ها، در روستاها و در بخش کشاورزی فعالیت دارند، به دلایلی از جمله، فروپاشی سرمایه اجتماعی در آن‌ها، به انسداد رسیده‌اند. آنچه در این تحقیق در قالب مفروضه‌ی بنیادین در ابتدا مطرح شد، چگونگی این فروپاشی و تبعاً؛ شکست سیاست ایجاد و استقرار تعاونی‌ها بود که از دیدگاه ذی‌نفعان اصلی یعنی اعضاء، هیئت‌مدیره، مدیران عامل تعاونی‌ها و بهره‌برداران، مورد پرسش واقع شد و نتایج مختلفی در برداشت. روایت اعضای تعاونی‌ها - به‌عنوان مطلعین کلیدی و ذی‌نفعان اصلی - چگونگی این فروپاشی را از درون شرح می‌دهد، آنچه در اکثر پژوهش‌های مربوط به تعاونی‌ها نادیده گرفته شده یا به‌صورت کمی و با نگاه سیاست‌گذارانه انجام شده‌اند و بنابراین سویه‌های درونی و پیچیده‌ی موضوع را نادیده انگاشته‌اند. سرمایه اجتماعی با مؤلفه‌های آن - اعتماد، روابط و انسجام اجتماعی - به‌مانند ماده‌ای چسبان، که سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی تعاونی‌ها را به هم می‌چسباند، با افول اعتماد به تعاونی، مشارکت

نامطلوب (کشاورزان و نهادهای دولتی ذی ربط) بی‌اعتمادی مضاعف و کاهش همبستگی اجتماعی رو به افول بوده و بنیاد تعاونی‌ها را دچار تزلزل نموده است. سرمایه اجتماعی تعاونی‌ها، به‌عنوان دال مرکزی تشکیل، استقرار و پایداری تعاونی‌ها، در شرایطی فروپاشیده است که مشارکت و اعتماد در تعاونی‌ها به حداقل رسیده است.

سرمایه اجتماعی نشان از قدرت و توان افراد در منازعات و میدان‌های اجتماعی با توجه به داشتن شبکه‌های ارتباطی و جمعی است که در روستاییان به نسبت تعاونی و مشارکت و اعتماد به آن ضعیف شده است. با این وجود، می‌توان گفت که این فروپاشی تعاونی‌های تولید روستایی را با تناقضی لاینحل، در بودن یا نبودن در روستاها، روبرو کرده است. سرمایه‌ای که حکم بر پایداری تعاونی‌ها و عملکرد مطلوبشان می‌کند. به فراخور همین حکم، می‌توان چنین قلمداد نمود که نتایج و برآیند تعاونی با در نظر داشتن سرمایه اجتماعی آن‌ها، نشان از شکست سیاست‌ها در این بخش، تبعات ناگوار برای روستاها و بخش کشاورزی است آن‌چه می‌توان از مصاحبه‌ها استنباط نمود، ترمیم و جبران فروپاشی سرمایه اجتماعی در تعاونی‌ها، بدون مشارکت دوطرفه -دولت و روستاییان- غیرممکن به نظر می‌رسد و روایت مصاحبه‌شوندگان دال بر این مدعاست.

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۹۴). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: نشر کیهان.
- ازکیا، مصطفی و فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۶). بررسی سرمایه اجتماعی در انواع نظام‌های بهره‌برداری از زمین و عوامل مؤثر بر تبدیل بهره‌برداری‌های دهقانی به تعاونی. *نامه علوم اجتماعی*. شماره ۳۳. ۷۸-۹۸.
- استراوس. آنسلم و کوربین. جولیت (۱۳۹۴). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه‌ی زمینه‌ای*. ترجمه‌ی ابراهیم افشار. نشر نی.
- اسناد. (۱۳۹۷). *سازمان تعاون روستایی استان کردستان*.
- اولیویه، فونتین و کریستی‌ین، شویره (۱۳۸۵). *واژگان بوردیو*. ترجمه‌ی مرتضی کتبی. نشر نی.
- بردبار، غ و زارعی، م (۱۳۹۲). بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی سازمانی بر ارتقای سطح مدیریت دانش در سازمان بهزیستی استان یزد. *جامعه‌شناسی کاربردی*. سال سوم. شماره ۴. صص ۲۴۴-۲۲۷.
- پویش. ا (۱۳۸۴). *تعاونی‌ها: محور توسعه‌ی کشورهای سوم*. مقالات کنفرانس تعاون. اشتغال و توسعه. دانشگاه یزد. یزد.

- حسینی، میرزاحسن (۱۳۸۹). تأثیر استراتژی‌های سازمان‌های غیردولتی در ایجاد و ارتقاء سرمایه اجتماعی. *فصل‌نامه‌ی مطالعات مدیریت انتظامی*. سال پنجم. شماره‌ی اول. صفحه‌ی ۱۰۰-۸۲.
- حیدری ساربان، وکیل (۱۳۹۰). تأثیر سرمایه اجتماعی بر میزان مشارکت روستاییان در مناطق روستایی. *مجموعه مقالات یازدهمین کنگره‌ی جغرافیادانان ایران*. دانشگاه شهید بهشتی. تهران.
- سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۹۵). سایت مرکز آمار ایران (www.amar.org.ir).
- شمسی. زهرا و محبعلی‌پور. منیره و الوداری. حسن (۱۳۹۴). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتار شهروندی سازمانی. *فصل‌نامه‌ی مدیریت سرمایه اجتماعی*. دوره‌ی ۲. شماره ۱. صص ۱۱۷-۱۳۶.
- شوپره، کریستیان و اولیویه، فونتین (۱۳۸۵). *واژگان بوردیو*. ترجمه مرتضی کتبی. نشر نی.
- عمانی، احمدرضا و چیدری، محمد و علیزاده، مریم (۱۳۹۴). ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی در عملکرد مالی تعاونی‌های تولیدی زراعی استان خوزستان. *فصل‌نامه‌ی مدیریت سرمایه اجتماعی*. دوره‌ی ۲. شماره ۲، صفحات ۱۵۵-۱۷۶.
- فلیک. اووه (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه‌ی هادی جلیلی. نشر نی. چاپ سوم.
- فیروزآبادی، سید احمد و صادقی، علی‌رضا (۱۳۹۲). *طرد اجتماعی: رویکردی جامعه‌شناختی به محرومیت*. تهران: جامعه‌شناسان.
- کلباسی اصفهانی، ع (۱۳۷۶). *تحقیق پیرامون نقش تعاونی‌ها در نظام اقتصاد جمهوری اسلامی ایران*. انتشارات ثمر. چاپ اول.
- کلمن. جیمز (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه‌ی منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- گرجی‌گرماسی، علی و بابایی‌کارنامی، علی (۱۳۹۶). بررسی نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی چهاردانگه ساری. *فصل‌نامه‌ی تعاون و کشاورزی*. سال ششم. شماره‌ی ۲۴. صفحه‌ی ۱۳۰-۱۵۰.
- گرنفل، مایکل (۱۳۹۳). *مفاهیم کلیدی پی‌یر بوردیو*. ترجمه‌ی محمد مهدی لیبی. نشر افکار.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). *تجربه نوسازی*. تهران: جامعه‌شناسان.

- Barnes-Mauthe, M., Oleson, K. L., Brander, L. M., Zafindrasilivonona, B., Oliver, T.A. & Beukering, P.V. (2014). "Social capital as an ecosystem service: Evidence from a locally managed marine area", *Ecosystem Services*: 1-11.
- Bolino, M & Turnley, W (2000), Going the extra mile: cultivating and managing employee citizenship beaver, *Academy of Management Executive*, 18 (3): 60_71.
- Bourdieu, P (1986). *The Forms of Capital*, in Joh. G. Richardson, editor, *handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*. Westport CT: Geernwood.
- Briscoe, T. (2010). *Making worker cooperative Effective in South Pacific in the journal of Pacific countries*. FAo Regional office for Asia and the pacific. Bangkok. pp.243-248.
- Coleman, J. S. (1990). *Equality and Achievement in Education*. Westview Press, Boulder.
- Dudwick, N; Kuehhnnast, k; Nyhan, J; V, Woodcock (2006). *Analyzing social capital: a guide to using quality methods and data*. World Bank institute press, Washington D.C.
- Huvila, l., Holmberg, k, e, s, and widen- Wolff, G (2010). *Social capital in second life*. Online information review, vol, 34 (2): pp. 295- 316.

- Mac Abbey, E., (2008). Constructive regulation of nongovernment organizations. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 48, 370-376.
- Mihaela-Raluca, B. (2013). Social capital framework and its influence on the entrepreneurial activity. *Annals of Faculty of Economics*, 1(1), 581-589.
- Nahapiet, J. & Ghoshal, S. (1998). "Social Capital, Intellectual Capital and the Organizational Advantage." *Academy of Management Review*, 23 (2): 242-266.
- Putnam, R. (1993a). The prosperous community, social capital and public life. *The American prospel*, 4, 13, 11-18.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling Alone: the collapse and revival of American community*. Simon and Schuster, NewYork.
- Putnam, Robert (1993b). *Making democracy work: civic traditions in modern Italy*. Princeton, Nj: Princeton university press. 280 p.
- Smedlund.A (2008). "The knowledge system of a firm: Social capital for explicit, tacit and potential knowledge". *Journal of knowledge management*, 12(1), 63-77.
- Snavely, K., & Desai, U. (2001). Mapping local government-nongovernmental organization interactions: A conceptual framework. *Journal of Public Administration Research and Theory*. 11 (2), 245-264.